هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



هیچ کس بدون حمایت این قشر عظیم جامعه (مجاهدان) به موفقیت نمی رسد.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ ۳۴ ۲۹ قوس ۱۳۹۳ ۲۷ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 20 Decembers 2014



حمله بر یک مکتب در شهر پشاور پاکستان که باعث کشته شدن بیش از صد نفر بشمول کودکان شده است را به شدیدترین الفاظ محکوم می کنم.

نباید فراموش کرد تروریسم و افراطیت ثبات منطقه را تهدید جدی می نمایند و باید در راستای مبارزهٔ جدی با تروریسم بشمول خشکانیدن مراجع ترویج نفرت و خشونت همه کشورهای جهان بخصوص کشورهای منطقه و اسلامی، بصورت قاطع و صادقانه با همدیگر همکاری نموده و اقدامات عملی را روی دست گرفت تا دیگر اطفال، جوانان و بزرگان کشورهای مان مورد همچو حملات بزدلانه قرار نگیرند و بتوانند به فکر راحت به زندگی عادی و روزمرهٔ شان بپردازند.

یکبار دیگر برای روح تمام گذشتگان این حادثهٔ دردناک اتحاف دعا می نمایم و برای مجروحین شفای عاجل خواهانم.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

به بهانهٔ اول جدی، سیزدهمین سالگشت انتقال متمدنانهٔ قدرت سیاسی

از انحصار قدرت تا انتقال قدرت

□ **پوهنمل سید عنایت الله شاداب**



رستاخیز عظیم اسلامی افغانستان در تاریخ سیاسی معاصر این کشور، حماسه آفرینی های شگفت انگیز را از خود بجا گذاشته است که جایگاه چشم گیری را در تاریخ این سرزمین به خود اختصاص داده و سرآغاز تحول بی پیشینه در زندگی سیاسی مردمی است که قرن ها استبداد داخلی خفقان شان کرده و فضای زهرآگین استبداد آنها را نفس گیر کرده بود

تحولی که مایهٔ افتخار مجاهد فرزندان این مرزوبوم بوده و باید از آن پاسیداری نمایند. نگاه گذرای به تاریخ این کشور گویای حقایق تلخی است که چه مصیبت های را متوجه هواداران و شیفتگان قدرت این عروس هزار داماد کرده و چه بسا که هوس انحصار قدرت و عاشقان سر و پانشناس انحصار آن را به پای بوسی و کرنش در برابر قدرت، های بیگانه وادار کرده که برای در آغوش گرفتن قدرت چون برده گان حلقه به گوش گوش به فرمان باداران قدرت بخش خویش، گردند.

اما با وارد شدن خیزش سترگ اسلامی این کشوراستبداد زده در صحنهٔ کارزار تابو شکنی در برابر متولیان قدرت که برخی خویشتن را فره ایزدی و سایهٔ خدا لقب داده و برخی هم خود را فرزند ص۶

انتقال مسالمت آمیز قدرت رسمی است معمول اما؟

ص۶

هشدار طالبان هرگز مانع رو به رشد جریان روشنگری نمی شود

ص۳



بمناسبت سی مین سالگشت شهادت؛

ذبیح خدا

ص۵

په پاکستان کې د ناامنیو تسلسل بالاخره د پېښور پوځي ښوونځي په غمېزه بدلیدل

□ **رفیق بحر**

ترهګري د یوویشتمي پېړۍ هغه کرغېړنه پدیده ده، چې لاتر اوسه یې د مصداق په هکله نړیوالو کوم جامع تعریف ندی وړاندې کړی خو زیاتره یې د وېرې اچولو، ډار خپرولو او خپلو مخالفینو په بې رحمانه توګه وژلو سره تعبیروي؛ په جګړو کې ښکېل برلاسي او ځواکمن لوري دغه کلمه ډېره کاروي؛ د خپلو مخالفینو هغو عملیاتو ته معمولاً ترهګري وایي چې کنترول او مخنیوی یې ورته آسانه کارنه اوسي او نشي کولای د عامو جګړو له لیارې یې مخه ونیسي. د جګړې په منطق کې معمولاً برلاسی لوری زور او پرمختللې وسله کاروي او کمزوری لوری بیا هغه څه انجاموي چې غواړي برلاسی او زورور لوری ډېر وډردوي، چې معمولاً په بېرحمانه توګه ترسره کیږي؛ یعنې د خپل مقابل لوری له ورته اقدام ترسره کولو څخه عاجزوالی یې داسې ډول کړنو ته هڅوي چې د مقابل لوري له وسه بېرون اوسي.

که څه هم د ترهګرۍ مثالونه نړیوالو پخوا هم ډېر لیدلي دي. لکه د تنزانیا په خاوره کې یوځل د ګڼ شمیر امریکایانو وژل، په نړیوال سوداګریز مرکز باندې د سپتمبر د میاشتې د یوولسمې نیټې ۷مخ

داکتر عبدالله در نشست شانگهای

ص۴



داشتن حکومت نیرومند، ارادهٔ قوی می طلبد! ص۲

امکان فشار چین بر پاکستان ص۲

حقوق بشر ص۶

مروری بر برخی حوادث امنیتی ص۷

په مشرتابه او انسان سازی کی د نبوی سیرت ونده ۴مخ

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

داشتن حکومت نیرومند، ارادهٔ قوی می طلبد!

ادامهٔ نا امنی ها، جنگ و برخی چالش هایی که دامنگیر کشور و مردم افغانستان می باشد، وجود دشمنان مردم افغانستان شامل، مخالفان مسلح دولت، گروه طالبان، تروریزم جهانی و دشمنان پیدا و پنهان دیگریست که تا حال از مردم قربانی می گیرد و باعث شده تا کشورما را از توسعه و ترقی باز دارد. اما آنچه نگران کننده است و فضای بی باوری مردم را نسبت به حکومت تقویت می کند، نبود یک تعریف مشخصی از دوست و دشمن می باشد که تا حال ارائه نشده است.

دشمن غیر مرئی دیگری که، گاهی برخی دولتمردان و رهبران از آن یاد آور می شوند، اما در افشا و ارائهٔ لیست و محاکمهٔ آنها نمی پردازند، وجود جاسوس ها و جیره خواران بیگانه می باشد که گفته می شود در کرسی های بلند دولتی، بخصوص در میان نیروهای امنیتی و دفاعی کشور جا گرفته اند. برای دشمن راپور رسانی، به هدف رسانی و در مواردی در تضعیف نیروهای خودی و تقویت نیروهای دشمن فعالیت می نمایند. به یقین این‌ها بدتر و مضر تر از آنانی اند که در جنگ رویاروی قرار دارند. بناءً حکومت باید مبارزهٔ جدی را با جواسیس بیگانه در دستور کارش قرار دهد.

اینکه دولت چرا از این راز پرده بر نداشته و چه ملاحظه و مصلحتی سر به مُهر در آن نهفته است که در افشاگری و گرفتاری این مارهای آستین، اقدام صورت نمی گیرد، سوال برانگیز است. گاهی از سوی برخی دولتمردان در مواردی صدا بلند می شود و از ارایهٔ لیست و افشای عنقریب متهمان در برخی عرصه ها سخن رانده می شود، اما به زودی به سردی می گراید و مورد پیگرد قرار نمی گیرد. باری وزیر داخلهٔ وقت، آقای جلالی از بدسترس داشتن لیستی از مافیای مواد مخدر و افشای آن صحبت می کرد، زمانی مجلس نماینده گان از ارایهٔ لست غاصبین زمین حرف می زد، که شاهد جنبهٔ عملی چنین گفته ها نبوده ایم.

سالهاست مردم ما در آتش جنگ و نا امنی می سوزند، روزی نیست که گلیم ماتم در گوشهٔ از کشور هموار نباشد، اما کار عملی که بتواند در به وجود آوردن فضای اعتماد و باورمندی، مردم را کمک کند کمتر دیده و شنیده می شود. دولتمردان به استراتیژی روشن و قاطعیت شان در از میان برداری اینهمه نا امنی و انتحار و انفجار و بسا چالش های دیگری که مردم را زمینگیر کرده، نپرداخته است. در برابر رویدادهای دلخراش و حوادث، فقط ابراز تأثر، تقبیح کردن به شدیدترین الفاظ و در مواردی هم رفتن به عیادت زخمی های حوادث و مساعدت به خانواده های صدمه دیده گان و شعارهای غیر عملی مداواگر دردهای اصلی مردم نیست.

مردم از رهبران حکومت وحدت ملی می طلبند، نخست از همه به تعهدی که بسته اند و بر بنیاد موافقت نامهٔ که این حکومت ایجاد گردیده، در معرفی کابینه مطابق آن سند امضاء شده، اقدام نماید. باور همگانی، تشدید نا امنی های اخیر را در نبود کابینهٔ مسوول می دانند. زیرا در این اواخر حملات انتحاری و انفجاری بخصوص در شهر کابل چنان تشدید یافته است که نگرانی را در میان مردم و خانواده ها ایجاد کرده است و آن خوش بینی هایی که در اوایل تشکیل حکومت وحدت ملی داشتند، کم کم سیر نزولی خود را می پیماید.

امکان فشار چین بر پاکستان

□ وحید مژده

رئیس جمهور غنی در دومین سفر خارجی خویش در مقام ریاست جمهوری، راهی بیجنگ پایتخت چین شد. گفته می شود که این سفر اشرف غنی پنجاه و یکمین سفر وی به چین بوده است. او در میان مقامات چینی بخاطر سابقهٔ کارش با این کشور چهرهٔ شناخته شده ای است و از همین جهت نیز در چین از وی استقبال گرم صورت گرفت.

بعد از سفر رئیس جمهور غنی به بیجینگ، امکان فشار چین بر پاکستان برای تامین صلح در افغانستان در میان شخصیت های افغان مطرح شد. غیر از رئیس جمهور غنی، زلمی خلیل زاد سفیر سابق امریکا در افغانستان نیز همین امکان را برای رسیدن به صلح در افغانستان مطرح کرد. وی گفت که چین و پاکستان باهم روابط دیرینه دارند و چین می تواند برای تامین صلح و ثبات در افغانستان از نفوذ خود بر پاکستان استفاده نماید. خلیل زاد حتی امکان فشار چین بر پاکستان را نیز بعنوان یک گزینهٔ قابل قبول مطرح نمود.

در جواب به این اظهارات، تسنیم اسلم سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان گفت که، افغانستان هیچگاه نباید در فکر فشار آوردن به پاکستان باشد و باید از این تصور بگذرد که گویا می تواند بر پاکستان فشار آورد. پاکستان و چین از گذشته روابط خوبی داشته اند و ما این را می دانیم که صلح در افغانستان به سود پاکستان و چین است اما اگر کسی به این فکر باشد که پاکستان را از سوی چین تحت فشار قرار دهد، هنوز هم نادرست فکر می کند. وی گفت که در گذشته افغانستان سعی نموده تا بر پاکستان فشار وارد سازد اما در این کار توفیقی نداشته است.

چین و بحران های جهانی:

شکی نیست که کشور پهناور چین بعنوان یک قدرت عظیم اقتصادی در جهان، می تواند نقشی مهمتر از امروز در قضایای جهان ایفا نماید اما سیاست این کشور نوعی کناره گیری از درگیر شدن در بحران های بین المللی است. این سیاست حتی مورد انتقاد امریکا نیز قرار گرفته است.

اما چین از سیاست های امریکا در جهان بشدت نگران است و هراس از آن دارد که پایش به بحرانی کشیده شود که در آن فروماند. به همین دلیل تاکنون این کشور علی الرغم اینکه یکی از قدرت های بزرگ جهان به شمار می آید، خود را از درگیر شدن با بحران های جهانی کنار کشیده است.

چین، هند و پاکستان:

روابط میان کشورهای جنوب آسیا به کشمکش های این منطقه رابطه دارد. چین با پاکستان روابط نزدیک اقتصادی، سیاسی و نظامی دارد. آنچه که این دو کشور همسایه را باهم نزدیک ساخته است، بیشتر به اختلافات این دو کشور با هندوستان برمی گردد. هم چین و هم پاکستان سابقهٔ جنگ با هندوستان دارند.

در سال ۱۹۵۹ چین سرزمین کوهستانی تبت را به خاک خود یکجا کرد و به جانب مناطقی در داخل هند شروع به پیشروی نمود. این پیشروی ها موجب تنش های مرزی و برخورد های نظامی میان دوکشور گردید. هند از کشورهای امریکا، انگلیستان و کانادا تقاضای تجهیزات نظامی نمود که پذیرفته شد. این جنگ افزارها به تنش های بیشتر انجامید که سرانجام به جنگ ۱۹۶۲ میان دوکشور منجر گردید. هندوستان در این جنگ شکست خورد و مشکل سرحدی میان دو کشور همچنان باقی ماند.

هرچند اکنون روابط میان دوکشور بهبود یافته و در سال ۲۰۰۶ معبرهای سرحدی میان دو کشور که بیش از نیم قرن بسته بود، مجددا بازگشائی گردید، و حتی دو کشور مانور های نظامی مشترک هم انجام دادند اما هندوستان بعنوان یک قدرت اتومی در همسایه گی چین، همچنان می تواند مایهٔ نگرانی چین باشد بخصوص که امریکا هم تلاش دارد تا با هندوستان رابطهٔ نزدیک داشته باشد.

اندریو سمال، کارشناس روابط چین و پاکستان در موسسهٔ تحقیقاتی «جرمن مارشال فند» ایالات متحدهٔ امریکا به این نظر است که چین در جنوب آسیا به پاکستان برای ایجاد توازن در منطقه و مهار هندوستان نیاز دارد.

از تبت تا سین کیانگ:

استدلال بعضی از تحلیل گران در افغانستان اینست که چین از نا آرامی ها در سین کیانگ نگران است و همین نگرانی می تواند این کشور را وادار به کمک به پروسهٔ صلح در افغانستان سازد.

امریکا و در مجموع غرب همیشه چین را بخاطر نقض حقوق بشر مورد فشار قرار داده اند. این انتقاد از چین بیشتر بخاطر نقشی است که این کشور در تبت ایفا کرده است.

دالائی لاما رهبر بودائی های تبت خواهان خود مختاری این منطقه از چین است و بودائی های چین برعکس مسلمانان سین کیانگ از حمایت غرب برخوردار اند. دالائی لاما که در هندوستان زندگی می کند بصورت منظم به کشورهای غربی مسافرت نموده و با رهبران این کشورها ملاقات می نماید.

از نظر چین، مداخلهٔ غرب در تبت خطرناک تر از مسئلهٔ ایغورها در سین کیانگ است زیرا مسلمانان این منطقه نه رهبر شناخته شده ای دارند و نه غرب حرکت ضد چینی این مردم را بعنوان یک حرکت مشروع به رسمیت می شناسد.

فشار کدام کشور بیشتر بر پاکستان موثر است:

چین رابطهٔ نزدیک اقتصادی با پاکستان دارد اما در جنگ های هند و پاکستان هیچگاه مداخله نکرده است. از جانب دیگر سیاست های امریکا در شرق و جنوب آسیا و نیز شرق اروپا موجب نگرانی چین است.

این نکته نیز واضح است که چین در مسئلهٔ مسلمانان ایغور که برای چین مشکل بمیان آورده و تعدادی از آنان در مدارس مذهبی پاکستان درس می خوانند و گروهی هم در منطقهٔ وزیرستان مستقر اند بر پاکستان فشار نمی آورد پس این احتمال بسیار ضعیف است که بخاطر افغانستان پاکستان را زیر فشار قرار دهد.

اما این نکته کاملاً روشن است کشوری که تجربهٔ فشار بر پاکستان و تسلیم شدن پاکستان در برابر آن فشار را دارد ایالات متحدهٔ امریکاست. طوریکه جنرال مشرف نیز اذعان نموده، فقط یک تلفن تهدید آمیز دیک چینی معاون رئیس جمهور امریکا پس از واقعهٔ یازدهم سپتامبر موجب شد تا پاکستان در آن زمان علیه طالبان دست به اقدام بزند.

اینکه بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان و سقوط طالبان، و حتی زمانیکه اسامه بن لادن رهبر القاعده در نزدیکی اسلام آباد هدف قرار گرفت، امریکا این فشار را ادامه نداد. این برداشت حامدکرزی رئیس جمهور پیشین را به این نتیجه رسانید که وقتی امریکا خواهان دوام جنگ در این منطقه باشد، مداخلهٔ هیچ کشوری نمی تواند وضع را تغییر دهد.

از جانب دیگر چین یگانه کشوری بود که در برابر فشارهای امریکا علیه پاکستان در ماجرای اسامه بن لادن در کنار اسلام آباد ایستاد و نشان داد که حامی پاکستان است.

شکی نیست که چین برای پاکستان بخاطر مشکل این کشور با هندوستان مهم است و چین نیز برای حفظ تعادل منطقوی خویش و بخصوص حضور در بحر هند به پاکستان نیازمند است، اما این نکته نیز قابل توجه است که کشور فقیری چون پاکستان بیشتر از چین به کمک های امریکا و نفوذ این کشور در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیاز دارد.

پس وقتی خانم تسنیم اسلم نطاق وزارت خارجهٔ پاکستان از بی اثر بودن تلاش های افغانستان در آوردن فشار به پاکستان سخن می گوید، این اطمینان را دارد که وقتی امریکا بر پاکستان فشار وارد نمی آورد، چین هرگز دست به این کار نخواهد زد.

اما واقعهٔ دردناک کشتار در یک مکتب وابسته به اردوی پاکستان در پیشاور که طالبان پاکستانی مسوولیت آنرا بعهده گرفتند شاید بتواند پاکستان را بیش از هر کشوری تحت فشار قرار دهد تا در جهت مبارزه با تروریسم با افغانستان همکاری نماید. زیرا مشکل تروریسم یک مشکل منطقوی است و حل آن نیز نیاز به همکاری های منطقوی دارد.



هشدار طالبان هرگز مانع رو به رشد جریان روشنگری نمی شود

☐ **عنایت**

طالبان با نشر اعلامیهٔ رسانه ها و جامعهٔ مدنی را که به قول آنان به عنوان بلند گویان غرب عمل می کنند، هشدار داده اند. این گروه گفته است: اگر این نهادها فعالیت‌های"ضد ارزش های اسلامی، شرعی" و ترویج بی حجابی، فساد و فحشا را جلوگیری نکنند، هدف حملات قرار خواهند گرفت.

در پی نشر این اعلامیه، مسوولان در دیدبان رسانه های آزاد افغانستان و برخی فعالان مدنی و رسانهٔ از این هشدار طالبان انتقاد شدید کرده اند. مجیب خلوتگر، رئیس اجرائیه دیدبان رسانه های آزاد افغانستان یا "نی" در واکنش به هشدار طالبان مبنی بر هدف قرار دادن رسانه ها گفته است: "طالبان کور خوانده اند و باید بدانند که رسانه ها در افغانستان صدای واحد دارند." وی می گوید: اگر رسانه ها طالبان را تحریم کنند، حتی نام آنان نیز دیگر در افغانستان نخواهد بود.

پیش از این نیز نهادهای مدنی و رسانه ها گفته اند که این اقدام و اقدامات هم مانند طالبان، فاصله میان آنان و رسانه ها را افزایش خواهد داد. هشدار طالبان به رسانه ها پس از آن صورت گرفت که چند روز پیش این گروه به یک گردهمایی فرهنگی در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری حملهٔ انتحاری را انجام دادند. این همایش در مدرسهٔ استقلال برگزار گردیده بود و سوژهٔ اصلی این نمایش در محکومیت حملات انتحاری و تبعات پس از آنها بود. به قول آگاهان این بار نخست بود که طالبان به گونهٔ بسیار بی رحمانه و در عین حال زیرکانه، فعالان مدنی و رسانهٔ را مورد آماج انتحاری خود قرار داده بودند که در نتیجه چند نفر کشته و بیش از ده نفر زخم برداشتند.

هرچند درگذشته ها، فعالان مدنی و رسانه ها به شکلی از اشکال مورد تاخت و تاز این گروه و گروه های هم‌سو قرار گرفتند و سر به نیست شده بودند، اما این بار حمله بر همایش (تیاتر) در مدرسهٔ استقلال نشان داد که گروه موسوم به طالبان هیچ مرزی را نمی شناسند و به هیچ کس و هیچ تجمعی در این کشور رحم ندارند. حملهٔ طالبان بر مراکز فرهنگی یک بار دیگر نشان داد که این گروه در بی خاصیتی و جهالت از سر آمدان روزگارخویش اند و به فرهنگیان و داشت های فرهنگی که مؤلفه ها و خاصیت جوامع انسانی است، به هیچ وجه اهمیت قائل نیستند. جریان دهشت آفرینی این گروه نشان می دهد که طی سال های گذشته هرکجا که صدایی بود، خواستند آن صداها را خاموش سازند و از هر پنجرهٔ که نور می تابید آن را بستند.

به قول رازق فانی؛

هر کجا روزنهٔ را دیدند
که از آن نور تصور می رفت
همه را بر بستند
و به هر خانه که قندیل فروزانی بود
همه را بشکستند

این گروه حد اقل طی ۱۳ سال گذشته گاه برجان کاروان های نظامی، گاه بر مساجد و مدارس، بعضاً بانک‌ها، محلات تفریحی و ورزشی و گاهی هم شخصیت های ملی و مردمی را نشانه گرفتند. بزرگترین شخصیت های سیاسی مذهبی، وکلا و نمایندگان مردم در شورای های ملی، ولایتی، مدافعان حقوق زنان و فعالان اجتماعی را سازمان‌دهی و هدف قرار دادند.

روی هم رفته رویداد انتحاری که برای نخستین بار در یک مرکز فرهنگی در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری صورت گرفت به قول دوستم شهید ثاقب می‌توان آن را "سرآغاز رویارویی خونین فرهنگ و انتحار" نامید. زیرا این رویداد نه تنها حملهٔ یک گروه افراطی بر یک همایش فرهنگی بود، بل مهم تر از آن، حمله یک همایش فرهنگی بر رویدادهای انتحاری و انفجاری و کنش متقابل علیهٔ ترور و خشونت نیز بود. زیرا این نمایش جریان کور ترور و انتحار را می خواست به اکران ببرد و به وجدان های بیدار عمق خشونت و سیاه اندیشی را که سال ها است این کشور را می رنجاند و به قول پرتو نادری "خرمن خرمن کشته های انتحاری جمع می کنند" را تمثیل کنند. گردهمایی استقلال که با حضور هنرمندان، نمایش‌نامه نویسان، فرهنگیان، روشنفکران، تدویر یافته بود و خواست عمدهٔ شان این بود تا نقاب از چهرهٔ زشت جنگ و خشونت بر افگنند.

اکنون که جنگ اهورا و اهریمن (فرهنگ و خشونت) در کشور ادامه دارد، این گونه هشدارها هرگز نمی تواند مانع فعالیت های رسانه ای و جریان روشنگری گردد. به هر اندازه که طالبان و گروه های همسو با آنان، بخواهند صدای مردم را که رسانه ها به نمایندگی از آنان عمل می کند، خاموش سازند به همان اندازه فریاد آنان بلند تر و رساتر می گردد. زیرا تجربهٔ ۱۳ سال گذشته نشان داده است به هر اندازه که طالبان و گروه های فشار بر ضد رسانه ها عمل کنند، به همان اندازه تجرید می شوند و در انزوا قرار می گیرند. در این شکی نیست که این گروه در میان توده‌ها جای ندارد و همین که بر سر زبان ها هستند مرهون آفرینش خشونت ها و کشتار افراد ملکی و نظامی هستند که وقیحانه انجام می دهند. هرچند حامیان خود فروخته در میان گروه های ضد ملی دارند که با سربازگیری از آنان، توانسته اند تنور خشونت افروزی خود را برای چند صباحی داغ نگه دارند. تنوری که سرانجام با یاری پروردگار، حمایت مردم، جامعهٔ جهانی و فریاد بلندی رسانه ها، احزاب سیاسی مردمی و جامعهٔ مدنی محکوم به شکست و و در نهایت خاموش خواهد شد. به امید پیروزی نور برظلمت.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سیرت ونډه

یوه دیرشمه برخه

■ ژباړه: اجرالدین اقبال

په مکي آیتونو کې څرګنده شوې،چې اسلام نړیوال دین دی.د ساري په توګه:

د انبیاء سورت ۱۰۷ آیت وایي: او ته مو یوازې نړیوالو ته رحمت لیږلی یې.))

(سبا/ ۲۸)= اومونږ ته تولوخلکو ته (دالهي مکافاتو) زیرې ورکونکی او(له عذابه یې)وېرونکلیږلی؛خو ډېری خلك نه پوهېږي.))

پر پورتنیو نصوصو سربېره، له پیله د اسلام تولې پلې شوې کړلارې هم ددې موخې لپاره وې.دساري په توګه:د پیغمبر اکرم په تبلیغي پلاویو کې د "حمزه بن عبدالمطلب"،"عمار بن یاسر"، ((حبشي))"بلال"، رومي "صهیب" او د "مصعب بن عمیر" (رضی الله عنهم) په څېر کسانو شتون،ددې ښکارندوی دی،چې اسلام جغرافیایي او توکمیز توپیرونو ته ارزښت نه دی ورکړی او وینو،چې په دې مبلغانو کې شتمن،بېوزله،تور، سپین، عرب او عجم لیدل کېږي.

د پیغمبر اکرم لیکونه

پیغمبراکرم د اسلامي بلنې د پراختیا لپاره،د نړۍ د بېلابېلو هېوادو او سیمو له مشرانو سره په خورا ښکلي دود اړیکې ونیوې او ددې سیاست د دوام په لړ کې یې ورته لیکونه ولېږل او اسلام ته یې راوبلل،چې ځینو یې بلنه ومنله او مسلمانان شول،ځینو په ښکاره ورسره و نه منله ؛خو ښه غبرګون یې وښود او ځینو په کبر او ملنډو ورسره چلن وکړ، چې یو شمېر لیکونه یې دادي :

د ایران پاچا ته لیک:

پر شپږم هجري کال،پاک نبي خپل استازی له لیک سره د "ایران" پاچا "خسروپرویز" ته ولېږه او په لیک یې اسلام ته راوباله.پر هغه مهال د "ایران" امپراتوري د ختیځ تر تولو ستره،شتمنه او پراخه امپراتوري وه او "خسروپرویز" پرې واکمن و،چې اور لمانځی و.

د پیغمبر اکرم په لیک کې راغلي و:

((د لوراند او لورین څښتن په نامه. له ((محمدرسول الله)) نه د "ایران" پاچا "خسرو پرویز" ته؛ سلام دې پر هغه وي،چې پر "خسرو پرویز"، لیک تر لوستو وروسته په تکبر څیرې کړ. دا خبر،چې پیغمبر اکرم ته راورسېد؛نو و یې ویل:((پاچاهي دې ړنګه شه)) او په دې وینا یې د هغه د حکومت د تغر د تولېدو خبر ورکړ.

په هغه وخت کې د "یمن" عربي هېواد د "خسرو پرویز" تر واک لاندې و او "باذن" پرې واکمن و. "خسروپرویز" ورته حکم وکړ،چې "محمد" لاسنیولی راولېږه.

"باذن" ته چې د "خسروپرویز" حکم راورسېد؛نو دوه کسان یې په پیغمبر اکرم پسې ولېږل،چې ویې ګواښي او "باذن" ته یې راولي،دوی چې مدینې ته راغلل؛نو رسول اکرم یې د خپلې دندې له موخې خبر کړ. پیغمبر اکرم ترې وخت وغوښت او ورته یې وویل چې:((سبا به مو ځواب درکړم))،د هماغې ورځې پر سبا،خدای خپل استازی خبر کړ،چې "خسروپرویز" خپل زوی "شیرویه" وژلی دی؛بیا چې خدای او استازي یې ایمان راوړي او ګواهي ورکړي،چې بې له خدایه بل خدای نه شته او "محمد" یې بنده او خلکو ته استازی یې دی،چې هغوی ،چې ژوندي زړونه لري،له خدای او قیامته ووېروي او پر کافرانو د خدای د عذاب وعده پرېکنده کړي؛نو مسلمان شه، چې په امن کې شې او که سرغړونه دې وکړه؛نو د "مجوس" قوم ګناه به دې پر غاړه وي))



استازي پیغمبر اکرم ته راغلل؛ د "خسروپرویز" له وژل کېدو یې خبر کړل او ورته یې وویل: ((باذن خبرکړئ او ورته وویاست،چې دواکمنۍ کړی به مې تر "کسری" ورسي او د ځمکې پر هر ځای به مې واکمني شي؛نو که مسلمان شوې؛ نو د "یمن" پر واکمنۍ به دې پرېږدم.))

استازي،چې "باذن" ته راغلل او د پیغمبر اکرم خبره یې ورته وکړه؛نو "باذن" ورته وویل:((پر خدای قسم،چې دا د عادي واکمن خبره نه ده او زما په نظر "محمد" پیغمبر دی؛نو باید صبر وکړو،که وینا یې رښتیا شي؛نو بېشکه پیغمبر به وي او که خبره یې سمه و نه خېژي ؛ نو هله به هوډ وکړو،چې څه ورسره وکړو.))

څه موده وروسته "باذن" ته د "شیرویه" لیک راغی،چې: ((ما خپل پلار وژلی او پر تخت ناست یم او داچې اوس زما د واک پښې سستې دي؛نو اوس له "محمد" سره کار مه لره.))

"باذن"،چې د "شیرویه" لیک ولوست؛نو یارانو ته یې وویل:((دا سړی د خدای استازی دی او اسلام یې راوړ او ورسره فارسیان هم مسلمانان شول.))

د اسکندریه واکمن ته د لیک:

پر هماغه شپږم هجري کال رسول اکرم، د "اسکندریه" واکمن؛ "مقوقس" ته هم لیک واستاوه او اسلام ته یې راوباله. "مقوقس" د خدای د استازي لیک ولوست او هغه یې خیر او نېکمرغي وګڼله او پردې سربېره،چې په درناوي یې لیک ځواب کړ، دوه وینځې،یو اس او یو جوړ جامې یې هم ورته ډالۍ ورولېږلې.

رسول اکرم یې ډالۍ ومنلې او له دوو وینځو،له (ماریه) یوې سره یې واده وکړ،چې"ابراهیم" ترې وزیږېد .

د دمشق واکمن ته لیک:

پر هماغه کال رسول اکرم د "دمشق" واکمن؛ "حارث" ته لیک واستاوه،چې په یوه برخه کې یې راغلي وو:

((سلام دې پر هغه وي،چې د هدایت لاروی او پر خدای ایمان راوړي. تا پر یو خدای ایمان ته رابولم،چې پر حکومت پاتې شې.))

د تاریخ لیکونکیو د وینا له مخې،"حارث" بلنه و نه منله او د پیغمبر اکرم لیک او استازی یې بد ځواب کړل.

ادامه لری

داکتر عبدالله در نشست شانگهای

□ ابوبکر سبزوار

داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائی حکومت وحدت ملی روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته به نمایندگی از افغانستان در راس یک هیئت بلندرتبهٔ دولتی عازم قزاقستان گردید. سیزدهمین نشست اعضای گروه شانگهای در آستانه پایتخت قزاقستان برگزار شد. در این نشست صدراعظمان کشورهای عضو پیمان شانگهای شرکت نموده بودند و داکتر عبدالله به نمایندگی از افغانستان در این نشست سخنرانی داشت.

محور سخنرانی رئیس اجرائی حکومت افغانستان را مبارزهٔ مشترک با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و همکاری های اقتصادی تشکیل می داد. وی از شرکت کنندگان این نشست خواست تا افغانستان را برای رسیدن به این اهداف همکاری نمایند و در عین حال روی همکاری های فرهنگی نیز تاکید کرد. اما بخش مهم این سفر را ملاقات های حاشیهٔ این نشست تشکیل می داد که داکتر عبدالله هم با استفاده از همین فرصت، با مقامات کشورهای عضو شانگهای بخصوص روسیه و چین ملاقات نمود.

دیدار داکتر عبدالله با صدراعظم چین را می توان مهمترین بخش از این دیدارها دانست. «لی کیچیانگ» صدراعظم چین آمادگی کشورش را برای سهم گرفتن در سرمایه گذاری در افغانستان ابراز نمود. وی گفت که چین حاضر است تا با همکاری در بازسازی افغانستان، و در تامین صلح و بهبود شرایط اقتصادی مردم افغانستان را کمک کند.

وی با اشاره به نزدیک شدن شصتمین سالروز روابط دیپلوماتیک میان دو کشور گفت که، مقامات کشورما در جهت همکاری دو جانبه در همه زمینه ها آمادهٔ اعزام گروه های کاری به کشور شماست زیرا ما به روابط خود با افغانستان اهمیت زیاد قایل هستیم و می خواهیم در مورد بازسازی زیرساخت های اقتصادی کشور شما تبادل نظر نمائیم. صدراعظم چین ابراز امیدواری نمود که صلح و امنیت در افغانستان حاکم گردد و در این راه از همکاری کشورش وعده سپرد. داکتر عبدالله از کمک چین در این زمینه ابراز تشکر کرد.

داکتر عبدالله در حاشیهٔ این نشست با دیمتری مدودف صدراعظم روسیه نیز دیدار داشت که نخستین دیدار داکتر عبدالله بعنوان رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی با یک مقام روسی بود.

بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، روسیه بعنوان وارث اتحاد شوروی در نزدیک شدن به افغانستان تردید داشته است اما در این دیدار صدراعظم روسیه ابراز امیدواری نمود تا روابط میان دوکشور استحکام بیشتر یابد. داکتر عبدالله از حمایت های سیاسی روسیه و بخصوص ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از افغانستان تشکر نمود و خواهان گسترش روابط میان دوکشور شد.

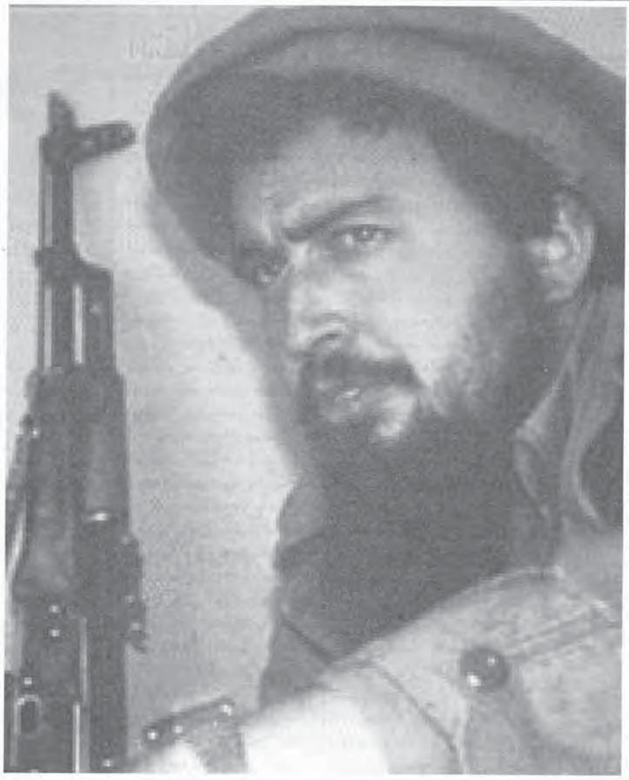
روابط میان ازبکستان و افغانستان از مسایل مورد بحث میان رئیس اجرائی حکومت وحدت ملی و رستم عظیم اوف نخست وزیر ازبکستان بود. در این دیدار دوطرف روی گسترش دادوستد بازرگانی میان دوکشور بر بنیاد توافقات قبلی تاکید داشتند. داکتر عبدالله تاکید نمود که همکاری در زمینهٔ حمل ونقل و صادرات برق از ازبکستان باید تقویت گردد.

در رابطه به حمل نقل بر اهمیت خط آهن تاکید صورت گرفت. داکتر عبدالله تمدید خط آهن میان دو کشور را فرصت طلائی برای رشد اقتصادی میان دوکشور خواند.

داکتر عبدالله در حاشیهٔ این نشست با «جاآرات آتاربایف» صدراعظم قرغیزستان نیز روی مسایل مورد علاقهٔ دو کشور تبادل نظر نمود. کشور قرغیزستان اخیراً سفارت خویش را در کابل افتتاح نمود و به همین مناسبت وزیر خارجهٔ این کشور در یک سفر رسمی به کابل آمد و چندین توافقنامهٔ دوجانبه میان دوکشور در جریان آن سفر به امضا رسید.

در دیدار با صدراعظم قرغیزستان، هردو جانب به تقویت بیشتر روابط دوستانه میان بیشکیک – کابل تاکید نمودند. داکتر عبدالله از همکاری قرغیزستان در زمینه دادن بورسیه های تحصیلی به محصلین افغان ابراز تشکر نمود. وی همچنان از صدراعظم قرغیزستان دعوت رسمی بعمل آورد تا در یک فرصت مناسب از افغانستان دیدار نماید. این دعوت با تشکر پذیرفته شد.

جالب اینجاست که در تمام این ملاقات ها، نمایندگان کشورهای عضو از رئیس اجرائی حکومت در مورد تاخیر در اعلام کابینهٔ جدید افغانستان می پرسیدند. داکتر عبدالله به آنها اطمینان داد که در این رابطه میان وی و رئیس جمهور توافق کامل وجود دارد و کابینهٔ جدید افغانستان بزودی اعلام خواهد شد.



بمناسبت سی مین سالگشت شهادت؛

ذبیح خدا

نامر

سی سال از شهادت امیر جبهات جهادی ولایت بلخ باستان - استاد عبدالقادر ذبیح الله - می گذرد. فرزانه مردی که با تقوی و با تدبیر زیست و آگاهانه در مبارزه با کفر و کمونیزم و بی عدالتی بپا خاست و در بسیج مردم دیارش و ولایات همجوار کمر همت بست، همپا با مجاهدان فقیرانه زیست و در پی آن بود تا حق و عدالت بر بی عدالتی و ظلم چیره گردد.

جبهات جهادی بلخ جمعیت اسلامی به آمریت استاد ذبیح الله شهید، از نظم بهتری برخوردار بود، در آنجا قانون الهی حاکم بود. مجاهدین تحت تعلیم و تربیت دینی و رزمی قرار داشتند.

در آندیار فرماندهان مدبر و مقتدری چون مولوی محمد علم که بعْد از شهادت استاد ذبیح الله شهید رهبری جبهات ولایت بلخ را عهده دار شد، استاد عطا محمد نور که در عرصه های نبرد و سیاست و مدیریت کم نظیر است، علم خان آزادی و ده ها فرماندهٔ متعهد دیگر قرار داشتند.

بدون تردید هر خیزش و قیامی، دوستان و دشمنان خود را دارد. دشمنان تلاش می ورزند فرماندهان و رهبران واقعی را از میان بردارند، ترور شخصیت نمایند و با حیل گونه گون سد راه فعالیت های ایشان گردند. اما بی خبر از اینکه قیام های هدفمندانه با از میان رفتن رهبری، به پایان نمی رسد بلکه، رهروان آنها یکی پی دیگری راه آنها را تعقیب و بسر منزل مقصود رهنمون می سازند. طوری که در دورهٔ های جهاد و مقاومت، و تا امروز مردم ما شاهد اند که چه تعداد از فرماندهان و سران مجاهدان به درجهٔ رفیع شهادت نایل گشتند اما راه آنها بی رهرو نماند.

استاد عبدالقادر ذبیح الله با دستان پلید ناپاک و آشوبگر، در ۲۳ قوس سال ۱۳۶۳ هجری خورشیدی، به کاروان شهداء پیوست. روحش را شاد می خواهیم و بر دشمنانش نفرین می فرستیم.

اینک به مناسبت سالگشت شهادت ذبیح خدا، سرودهٔ استاد سخن شادروان خلیل الله خلیلی پیشکش می شود که بعد از دریافت خبر شهادت استاد ذبیح الله شهید، - در محیط هجرت در اسلام آباد پاکستان - زیر عنوان «**نالهٔ جانکاه**» سروده بود:

باز شد باز، درِ رحمت و احسانِ خدای
باز شد، شاهد انوارِ ازل چهره گشای
باز شد بیرقِ گلگونِ شهیدان بر پای
باز آیینهٔ تاریخ شده جلوه نمای
باز در بارگهٔ قلعه گشای خیبر
بوسه برخاک زند، جبههٔ ماه و اختر
دوستان! نعرهٔ تکبیر عزیزان از چیست؟

اینِ چراغان به سرِ قبر شهیدان ازچیست؟
مرغِ حق بر زَبرِ عرش، پرافشان از چیست
بلخ را این همه انوار درخشان از چیست؟
باز از بام فلک طرفه صدا می آید
در گشایید که مهمان خدا می آید
در گشایید که این تحفه بما می آرند
عاشقان سجدهٔ تعظیم بجا می آرند

خاکیان هدیهٔ بدرگاه خدا می آرند
کشتگان نامهٔ تسلیم و رضا می آرند
اینِ تنِ غرقه بخون گشته ذبیح الله است
سر و سردارِ سپه، مردِ خدا آگاه است
آسمان عرضه کند شرحِ مبارک بادش
خُاک نازد که نصیب است، چنین اولادش
حور، گل دسته نماید به بهشت از یادش
طرفه شاگرد که شد عشقِ خدا استادش
ای خوش آن مرد که آوردهٔ بدر است وحنین
سبق مهر و وفا خوانده ز پیکارِ حسین
یادِ آن سروِ بخون خفتهٔ ما باد بخیر
یاد آن یار سفر کردهٔ ما باد، بخیر
یاد آن قائدِ برجستهٔ ما باد، بخیر
یاد آن سرور و سر دستهٔ ما باد بخیر
یادِ وی، نقش به دیباچهٔ دلها باشد
تا وطن باشد و دل باشد و دنیا باشد
این شهیدان گل سرخ چمن رحمانند
مایهٔ ناز زمین مفخرت انسانند
کشتهٔ یک نگه از پیشگهٔ جانانند
کُشتگانند ولی زندهٔ جاویدانند
باد رحمت به تو ای قاید با دردِ جهاد
نازش بلخ برین یار جوانمرد جهاد
بود سرباز وطن سرور و سردار وطن
نام وی نقش بخون است به کُهسار وطن
هست جایش بدل مردم بیدار وطن
خادم دین خدا، قائدِ غمخوار وطن
پوشِ تابوت وی از پردهٔ جانها باید
تربتش بر زبر مسند دلها باید
مصلحت بین من آنست که افغان نکنیم
بر شهیدان وطن، اشک به مژگان نکنیم
گریه بر زندهٔ نازندهٔ شادان نکنیم
خاطر از رفتن این قوم پریشان نکنیم
آنکه بر بالِ مَلک سویِ خداوند رود
با دلِ مطمئن و خاطر خُرسند رود
سر اگر خفت بخون شکر که سنگر باقیست
بهر خونخواهی وی صد سرِ دیگر باقیست
ملتِ مومنِ سربازِ دلاور باقیست
گنبدِ شیرِ خدا فاتح خیبر باقیست
روید از قطرهٔ خونش، دل و جانِ دیگر
شیر مردی دگر و قلعه ستانی، دیگر



جمعیت اسلامی افغانستان علاوه از اینکه در برابر دشمنان به مبارزهٔ مسلحانه دست یازید که دو دورهٔ جهاد و مقاومت را می توان دوره های افتخار مردم مجاهد و مسلمان افغانستان نامید. این سازمان با داشتن افراد کارفهم، فرماندهان عالم و دانشمند، در پهلوی کارزار مسلحانه، توجهٔ بیشتری به امور فرهنگی نیز داشت.

این تصویر شاهد ادعای ماست. دیده می شود که استاد ذبیح الله شهید با ابوطارق مجلسی، درحال نوشتن مطالب نشریه ای اند تا ذریعهٔ ابتدایی ترین دستگاه چاپ آن زمان (گستتنر) به نشر برسانند و بدین وسیله مردم و مجاهدان را از رویدادها و وقایع نظامی، سیاسی و اجتماعی آگاه سازند.

حقوق بشر

□ همنوا

در مورد حقوق بشر، حرف های زیادی گفته شده و حرف های بسیاری تیز وجود دارد: انسان مظلوم و تحت ستم در طول تاریخ از حق طبیعی خویش محروم مانده و این حق الهی انسان، سالها و قرن ها زیر پای قدرتمندان و ارباب اقتدار، زیرپا شده است.

خداوند متعال، انسان را به صورت احسن تقویم آفرید و آن را اشرف مخلوقات قرار دارد. از پیدایش آدم علیه السلام تا امروز و تا فردای قیامت، این اسلام و همه ادیان برحق الهی است که حق انسان را به معنی واقعی کلمه به رسمیت شناخته و آن را مورد احترام قرار داده است. این فقط اسلام و تعالیم زندگی ساز آن است که حقوق بشر را نه به حیث یک شعار سیاسی و یا تبلیغاتی و انتخاباتی، بلکه به حیث یک حق که خدای متعال آن را به انسان ها عنایت فرموده. روی تامین این حق مبارزه و جهاد می کند.

جهاد در افغانستان بر ضد نظام های استبدادی و دیکتاتور و بلاخره تجاوز عریان امپریالیسم شوروی سابق، بر اساس اصول اسلامی و اعاده حق افغانها در تعیین سرنوشت شان بوده است. این نظام ها و دیکتاتورها بودند که حق آزادی انسانها را سرکوب و آزادیخواهان را به زندان افگنده بودند. این صدها هزار مجاهد بخاطر حق خویش در سنگرها و جبهات جهاد قرار داشتند و علیه متجاوزین و دشمنان حقوق بشر چه داخلی و چه خارجی، جهاد می کردند... این صدها هزار زندانی در کابل و مراکز شهرها در زمان جهاد، همه به خاطر حق خویش در سلول های تاریک زندان ها به سرمی بردند و جانیان و دشمنان حقوق بشر به زور و نیروی خارجی به کشور حکومت می کردند....

این مردم مظلوم و تحت ستم، دارای هیچگونه حقی نبودند و حکومت ها برای شان شعار می دادند: خانه، لباس مسکن! و کشور را زندان و کفن را لباس و قبرها را برای آزادیخواهان آماده کرده بودند...

مردم حق بیان و گفتار نداشتند و نشریه و رادیوی داخلی در اختیار آنان نبود و با زور و شکنجه تهدید به مرگ می شدند و امروز برخی از افراد بسیار لجوج و بی حیا، از زمان حکومت دست نشاندهٔ روسها با افتخار صحبت می کنند و گویا خود را مدافع حقوق مردم می خوانند!!

حکومت های قبلی: آقای کرزی با افتخار می گفت که، افغانستان ر ا کشور و خانهٔ همه افغان ها (همه پرچمی ها، خلقی ها، تروریست ها، طالبان و مجاهدین و...) ساخته است و به برخی از این افراد خاین به کشور و مردم، پُست ها چوکی هایی در دولت و در شورا داده بود و در قطعات اردو، پولیس و امنیت نیز جابجا بودند، اما جمهوری اسلامی افغانستان یعنی چه؟ چرا کسانی که به جمهوریت و اسلام عقیده ندارند، مسؤول امور شبعاتی از کشور می شوند؟

حکومت جدید ائتلافی: رئیس جمهور جدید می گوید: حملات تروریستی بس است! ما دیگر تحمل نداریم؟ همه یکصدا باید با آن مخالف باشیم! و...

اما حملات دیروز درست بود؟ دیروز نیز وحشیانه و ضد اسلامی و ضد ملی بود. از اولین نقطهٔ حرکت قابل نکوهش است. مردم ما از اولین لحظات انتحار و انفجار با آن مخالف بودند و از نخستین لحظات آن هرگز و هرگز آن را تحمل نداشتند و هرگز تحمل نمی کنند! ما نه دیروز و نه امروز آن را تحمل کرده و باید به سربازان دلیر کشور و مردم این روحیه را بدهیم که این تروریست ها دشمنان خدا و مردم هستند و هرگز نه برادر ما بودند و نه مخالف سیاسی ما؟

اینها مغز شوی شده توسط استخبارات بیگانگان اند و شیطان انس آنان را فریب داده و راه جنت را برایشان رهنمایی کرده و در واقع به راه دوزخ روان اند! از خدا بترسید و حرف های معقول و قانونی بزنید... با شعار و احساسات بازی نکنید و علمای دین را واقعاً احترام و به مشوره های دینی و قانونی آنان احترام بگذارید... هرگز یک عالم دینی نه ملای استخبارات خارجی، افراد را به ترور و انفجار توصیه نمی کند و راه حق و راستی روشن است و راه زشت و بدکاری نیز روشن و خدا و صالحان را قوت بدهد و بدکاران را تباه نماید.

انتقال مسالمت آمیز قدرت رسمی است معمول اما؟

□ فقیری

در دنیای امروز، انتقال مسالمت آمیز قدرت از یک رئیس جمهور به رئیس جمهور دیگر و حتی از یک پادشاه به جانشین او به کثرت دیده می شود. انتقال قدرت سیزده سالهٔ حامد کرزی پس از کشمکش ها و جنجال های فراوان انتخاباتی و به میانجی گری وزیر خارجهٔ امریکا، تقریباً مسالمت آمیز بود، هرچند فشارهای داخلی و بین المللی را در پی داشت.

انتقال در پاکستان، از جنرال پرویز مشرف به حکومت و انتخابات دیگر و پس از ختم دورهٔ ریاست جمهوری آصف علی زرداری و انتقال اقتدار از حزب مردم به مسلم لیگ و به صدارت رسیدن نوازشریف، بازهم یک انتقال مسالمت آمیز قدرت بود... به همین صورت انتقال قدرت از محمود احمدی نژاد به آقای روحانی در ایران، نیز یک نمونهٔ مسالمت آمیز قدرت بود... اما در بعضی از کشورها، مقاومت مردم باعث سرنگونی رژیم ها شده و در برخی از کشورها هنوز همه ادامه دارد. در تونس، لیبیا، مصر و قطر انتقال قدرت به صورت صلح آمیز و اکثراً با زور و فشار مردمی صورت گرفت و آنانی که زمامدار بودند، جای شان را توسط قوت مردم خالی کردند یا کشته شدند. در عراق نیز در اثر مداخلهٔ نظامی امریکا، رژیم صدام حسین سقوط داده شد و صدام در محکمهٔ عراقی امریکایی به دار آویخته شد...

اما در کشور عزیزما افغانستان، قضایا از رنگ دیگری است. همه می دانیم که شاهان و سلاطین وطن ما پس از مرگ و یا در دوران حیات با مقاومت برادران و فرزندان شان مواجه شده و یا به قتل و اسارت و یا فرار، قدرت را از دست داده اند، پس انتقال مسالمت آمیز و متحدانهٔ قدرت در اول جدی سال ۱۳۸۰ یکی از افتخارات بزرگ و به یاد ماندنی شهید پروفیسور برهان الدین ربانی و یاران و مجاهدان این روزگار است که ثبت اوراق زرین تاریخ پرافتخار کشورما شده است. تاریخ پرافتخار کشور که ورد همه زبان ها و نوشته ها است، واقعاً پرافتخار است. این افتخار نصیب بزرگمردان دلاور و مجاهد سرزمین ما است که در برابر هر تجاوز خارجی در استبداد داخلی رزمیده، به زندان ها و شکنجه گاه ها رفته اند و از عزت ناموس و افتخارات، اسلامی و ملی خویش دفاع کرده اند. بلی افتخار بزرگ ملت ما است و فرزندان این آب و خاک با این شهامت و دلیری نیاکان و برادران و همرزمان خویش قرن ها افتخار می کنند. اما جنگ ها، کشمکش ها و لجاجت های بیهوده و بی ثمر بر سر کسب قدرت، به برادرکشی و نفاق افگنی که نیز جز تاریخ کشورما است، نباید آن را از افتخارات خویش بر شمرد و باید مردانه به همه نفاق ها، برادرکشی ها، بیگانه پرستی ها جواب رد داد و عاملان و نوکران خارجی و افکار الحادی و ضد ملی را از شرق و غرب نکوهش کرد.

اول جدی سال ۱۳۸۰ تمام تصورات و نظرات منفی تحلیلگران داخلی و خارجی را نقش بر آب کرد که فکر می کردند مجاهدین فقط برای قدرت می جنگید و افسانه ها دروغ های سردمدار الحاد در کشور را که مجاهدین جز جنگ، راه و نقشهٔ دیگر ندارند ، به کلی پاک کرد و صداقت و خدمت گزاری رهبران جهادی را در راه آبادی و فلاح کشور به اثبات رسانید، جنگ ها و کشمکش های سال های اول حکومت مجاهدین که به طوطئه و پلان دشمنان افغانستان و از همسایه ها و قدرت طلبان تشنه بخون از داخل کشور صورت گرفت، به ظاهر تبلیغات سوء دشمنان خدا و وطن را در مورد مجاهدین به واقعیت نزدیک می ساخت ولی تدبیر و درایت مجاهدین و جلسات صلح با همه مخالفان و تشکیل حکومت وسیع البنیاد همه و همه نشانه های صلح دوستی و ضدیت با جنگ و خونریزی در کشور بود.

شهید ربانی با چهرهٔ باز، انتقال قدرت را در حضور نمایندگان رسانه های داخلی و خارجی انجام داد و خود نیز به حیث یک افغان در کشور خویش بسر برد و به حیث نمایندهٔ مردم در ولسی جرگه حضور یافت و رهبری بزرگترین حزب سیاسی یعنی جمعیت اسلامی را همچنان ادامه داد و سرانجام تقاضای رئیس جمهور وقت و بزرگان جمعیت را برای پذیرش ریاست شورای عالی صلح پذیرفت. واقعاً چه جای افتخار و سربلندی است کسی که بخش بزرگ جهاد را رهبری کرده در همه دردها و رنج های مردم خویش و با خود آنان شریک بوده، مقاومت بزرگ و تاریخی مردم را در برابر تجاوز بیگانگان و تحت نام دین، قیادت کرده اما سرانجام این بار بزرگ مسؤولیت تاریخی را با این همه مشکلات، طبق میل خویش به جانشین تعیین شده از سوی جامعهٔ بین المللی و گروه های افغان در بُن، در شهر کابل انتقال می دهد. آفرین و هزار سربلندی و عزت بر بزرگمردی و شهامت رهبر جهاد و مقاومت و انتقال دهندهٔ مسالمت آمیز قدرت در افغانستان عزیز!

از انحصار قدرت تا انتقال...

جبر تاریخ و نمایندهٔ نظام پرولیتری معرفی می کردند که به حکم تاریخ شکست در حوزهٔ نفوذ آن ره ندارد، صفحهٔ دیگری رقم خورد.

آری با ورود چنین خیزشی در تاریخ کشور، صفحهٔ دیگری باز گردید. برهنه پایان کرباس پوش مومن به باورها و افتخارات این مرزوبوم که سردمداران کمونیزم و مزدور آنها این سربازان برتری کلمهٔ حق و آزادی را، مرتجع می خوانند؛ چنان حماسه ها آفریدند که نه تنها طشت رسوایی مزدوران داخلی را از بام انداخت که مشت نیرنگ و دسایس قدرت های زورگو را نیز دربرابر چشم های جهانیان باز کرد.

بلی! در پهلوی این همه جانبازی ها و حماسه های تاریخی فرزندان این سرزمین که در آزادی میهن از چنگال غول کمونیزم و فروپاشی نظام جهانی پرولیتری و ایادی مزدور آن و مقاومت در برابر دسیسهٔ بین المللی برای براندازی حکومت مجاهدین- که امروز اعتراف های سردمداران نظم نوین جهانی و اعتراف جنرال مشرف در براه انداختن چنین دسیسه به گونهٔ مستقیم - برآن مهر تایید می زند نقش آفرینی کردند؛ با فراهم شدن زمینه و شکست حرکت مزدور استخبارات کشور همسایه؛ مجاهدین به رهبری شهید استاد ربانی رییس دولت اسلامی افغانستان؛ آمادگی آن را گرفتند، قدرتی را که مشروعیت آن را با خون صدها هزار مجاهد و مقاومت گران، راه جلوگیری از تجزیهٔ کشور در اختیار داشتند، به کسانی انتقال دهند که نه دود باروتی مشام شان را اذیت کرده بود و نه هم گوش شان را غرش توپ و صدای مهیب میگ های روسی. کسانی که از بد حادثه فرار کرده و جاگزین گوشه های عافیت گردیده بودند.

آری! هستند گروه های که افتخار این تحول انتقال قدرت را به پای دیگران بسته کنند، ولی نمی دانند که اگر مجاهدین آمادهٔ انتقال قدرت نمی بودند؛ این همه دست آوردهای که امروز گروه های مختلف برای پاسداری از آنها فریاد سرمی دهند؛ وجود نمی داشت و هنوز هم دروازهٔ افغانستان به روی جهان بسته بود؛ و کسانی که امروز دارند مجاهدین واقعی را از صحنه بیرون کنند؛ جای پای در این کشور نداشتند.

گروهی که ناتو بعد از تحول جدید با چند هزار سرباز خود نتوانست آنرا شکست دهد و امروز شکست خورده از افغانستان بیرون می شود؛ در آن زمان؛ مجاهدین به تنهایی، در برابر آن مقاومت کرده و شکست های مرگباری را در دشت های پروان؛ تخار و مزار متوجه آنها کردند.

از جانب دیگر سردمداران نظام فعلی و مطبوعات وابسته به آنان انتقال قدرت از حامد کرزی به محمد اشرف غنی را به گونهٔ به نشخوار می گیرند که گویی حادثه بی سابقه در تاریخ سیاسی این کشور روی داده است. حال آنکه این انتقال قدرت برمبنای قانون اساسی صورت گرفته بود که بعد از انتقال قدرت از طریق شهید استاد ربانی به وقوع پیوست.

انتقال قدرت توسط رییس دولت اسلامی در آنوقت نه از طریق حکم قانون اساسی صورت گرفته بود و نه هم از طریق فشار قدرتی، آن گونه که برخی آن را زمزمه می کنند؛ زیرا همان گونه که قبلاً یاد کردیم اگر مجاهدین آمادهٔ تحویل قدرت نمی شدند؛ هیچ قدرتی وجود نداشت که آنان را به این کار وادار سازد.

پدیدهٔ بی پیشینهٔ انتقال قدرت در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان توسط مجاهدین به رهبری شهید استاد ربانی پدیدهٔ بود برخاسته از ایمان مجاهدین و شخص رییس دولت اسلامی به مصالح علیای کشور و برقراری امنیت و ایجاد زمینه های رفاه ملت رنجدیده و جانباز افغانستان در راه آزادی کشور.

قابل یاد آوری است، همان گونه که مجاهدین زمینهٔ انتقال قدرت سیاسی را فراهم کردند، زمینه ساز آن نیز بودند که قدرت تصمیم گیری های اجتماعی، فرهنگی و علمی را به اقوام دیگر این سرزمین انتقال دهند تا سایر اقوام ساکن این مرزوبوم در تعیین مسیر زندگی اجتماعی و فرهنگی خویش، تصمیم اتخاذ نمایند و بر اندیشهٔ پوچ برتری قوم بر قوم دیگر چلیپا کشند.

مفکورهٔ انتقال قدرت از طرِیق یک پروسهٔ مشروع اندیشه ای بود که از طریق جلسه های بُن و روم و قبرس و مذاکره با گروه طالبان در عشق آبا و....مطرح گردیده بود.

اما زایمان تطبیق این اندیشه زمانی فراهم شد که حادثهٔ یازدهٔ سپتامبر به وقوع پیوسته و ولی نعمتان طالبان را برآن داشت که به حقانیت موضع مجاهدین پی برند و طرح انتقال قدرت را بپذیرند .و حرف آخر هم اینکه، انتقال مسالمت آمیز قدرت در تاریخ افغانستان برای اولین بار توسط رییس دولت مجاهدین صورت پذیرفت و این افتخار را هم در پهلوی افتخار آزادی افغانستان از چنگال کمونیزم و افتخار مقاومت برای دفاع از آزادی و جلوگیری از تجزیهٔ افغانستان را کمایی کنند.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۲۲قوس:

• بقول رسانه ها، صبح امروز عتیق الله رئوفی رییس دبیرخانه ی دادگاه عالی افغانستان از سوی افراد مسلح ناشناس در شهر کابل کشته شد.آقای رئوفی زمانی که از منزل خود به طرف دفتر کارش می رفت در منطقه ی دیوان بیگی از مربوطات حوزهٔ پنجم امنیتی شهر کابل هدف گلوله افراد مسلح ناشناس قرار گرفته است.

• کاروان نیروهای بین المللی در مسیر دو راهی ولسوالی بگرام هدف ماین جاسازی شده قرار گرفت. ولسوال بگرام ولایت پروان امروز به رسانه ها گفته است: " ده بجه شب گذشته کاروان نیروهای بین المللی که از سوی ولسوالی قره باغ به سوی بگرام در خرکت بودند؛ نزدیک به دو سرکهٔ بگرام هدف ماین جاسازی شدهٔ زیر پلچک قرار گرفتند که ا یک موتر آنها قسماً تخریب شده است."

• به گفتهٔ قوماندانی امنیهٔ کابل به رسانه ها، در حملهٔ انتحاری در حوزهٔ هفتم شهر کابل شش تن از منسوبین اردوی ملی کشته شدند. سخنگوی قوماندانی امنیهٔ کابل گفته است، ده تن دیگر به شمول افراد ملکی در این رویداد زخم برداشته اند. این حمله حوالی ساعت چهار عصر امروز در منطقهٔ گذرگاه شهر کابل نزدیک به پل آرتل، یک بس ۳۰۳ حامل منسوبین اردوی ملی را هدف قرار داد.

• مقامهای محلی ولایت هلمند گفته اند که طالبان ۱۲ ماین روب را در این ولایت تیرباران کردند. سخنگوی والی هلمند به رسانه ها گفته است که شماری از طالبان پیش از چاشت امروز ۱۲ ماین روب را در منطقهٔ تلخک که در میان ولسوالی نادعلی و شورابک این ولایت و در نزدیکی "پایگاه بسشن" پایگاه پیشین نیروهای بریتانیایی قرار دارد، تیرباران کردند. به گفتهٔ وی، پس از این طالبان با نیروهای ارتش درگیر شدند که در نتیجهٔ آن سه طالب کشته و چهار تن دیگر از سوی نیروهای ارتش ملی بازداشت شدند.

۲۳قوس:

• در نتیجهٔ اصابت یک راکت بر یک منزل رهایشی در ولسوالی خان آباد ولایت کندز یک زن شهید شد و دو کودک اش زخم برداشته اند. ولسوال خان آباد به رسانه ها گفته است که، این راکت صبح امروز در نتیجهٔ درگیری میان افراد مسلح غیر مسوول بر این منزل برخورد کرده است. به گفتهٔ وی، از شش روز به این سو درگیری میان افراد مسلح غیر مسوول در این ولسوالی جریان دارد؛ اما، حکومت تا کنون هیچ اعتنایی برای توقف آن نکرده است.

• قوماندان امنیه ولایت کنر به رسانه ها گفته است که در جریان درگیری میان نیروهای افغان و افراد مسلح پاکستانی، ۸ تن از افراد مسلح کشته شدند و ۱۶ تن دیگر زخم برداشتند. این افراد مسلح صبح امروز بر پوسته های سرحدی قوای امنیتی در ولسوالی دانگام حمله کرده بودند. به گفتهٔ وی، در یک رویداد دیگر در جریان درگیری میان نیروهای افغان و مخالفان مسلح در ولسوالی سرکانو، سه تن از مخالفان مسلح کشته شده و ۵ تن دیگر زخمی شدند.

• به قول رسانه ها، عملیات پاکسازی که چند روز پیش از سوی نیروهای امنیتی افغان در ولسوالی کوهستانات ولایت سرپل راه اندازی شده بود؛ در نتیجهٔ آن ۲۰ قریه از وجود مخالفان مسلح دولت پاکسازی شد. مقامات امنیتی گفته اند که یک شهروند امارات متحدهٔ عربی دستگیر گردیده است . گفته می شود که یکی از فرماندهان طالبان که روز گذشته در این درگیری ها زخم برداشته بود؛ امروز از شدت جراحات وارده درگذشته است. این شخص "لالی" نام داشت. در این عملیات حدود ده قریه در دره "علف سفید" که در مسیر جاده سرپل- کوهستانات وجود دارد؛ به اضافه ده قریهٔ دیگر در خود آن ولسوالی از وجود مخالفان مسلح دولت پاکسازی شده است.

۲۴قوس:

• دفترمطبوعاتی وزارت امور داخله به رسانه ها خبر داده است، نیروهای امنیتی در مربوطات ولایات غزنی، خوست، سرپل، بدخشان، ننگرهار، قندهار و فاریاب چندین فعالیت امنیتی را انجام دادند که در نتیجهٔ آن ۲۲ طالب مسلح کشته، ۲۸ زخمی و یک تن دیگر این گروه ازسوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

۲۵قوس:

• سخنگوی فرماندهی پولیس قندوز به رسانه ها گفته است: "حوالی ساعت یک بجهٔ بعد از ظهر امروز یک ماین مغناطیسی در ساحهٔ چینی فروشی مربوطات حوزهٔ دوم امنیتی رخ داد که در نتیجهٔ آن دو غیرنظامی زخم برداشتند." به گفتهٔ وی، هدف انفجار این ماین موتر رنجر پولیس بود که این موتر تخریب شده، اما به نیروهای امنیتی آسیب نرسیده است.

• به قول رسانه ها، چهار تن سازماندهٔ حملات تروریستی از یک خانه از شهرجلال آباد دیشب توسط نیرو های امنیتی گرفتارشدند. سخنگوی پولیس ولایت ننگرهار گفته است که گرفتار شده ها مسوولیت سازماندهی حملات تروریستی را در بخش هایی از شرق کشور به دوش داشتند.

۲۶قوس:

• سخنگوی دفتر مطبوعاتی ولایت ننگرهار به رسانه ها گفته است، در دو انفجار، اولی که از اثر جاسازی ماین کنار جاده در ناحیهٔ سوم مقابل لیسهٔ تجربوی شهر جلال آباد و انفجار دومی در نزدیکی قوماندانی قول اردوی ۲۰۱ سیلاب بوقوع پیوست، آمر پاسپورت قوماندانی امنیه و پسرش شهید و پنج پولیس دیگر زخم برداشتند.

۲۷قوس: .

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، نیروهای امنیت ملی طفل ۱۳ ساله را به‌نام بلال فرزند مرزا که قصد انجام حمله انتحاری در یکی از نقاط مزدحم شهر کابل را داشت، قبل از رسیدن به هدف با شخص انتقال دهنده اش به اسم هاشم از مربوطات ناحیه پنجم شهر کابل بازداشت نموده اند. افراد بازداشت شده در جریان تحقیقات ابتدایی بجرم شان اعتراف، شخص بلال نام یاد آور شده که مدت ۴۵ روز تعلیمات نظامی و فنون انتحاری را در بیرون از کشور فرا گرفته است.

•

په هیواد کې د نا امنیو ډېرښت...

آیا د کنړ د دانګام، اسمار او شیګل ولسوالی د کنړ ولایت او د افغانستان برخې نه دي او په قبایلي سیمو کې پرتې دي؟ چې امریکایان د ډیورنډ صفری نقطه د پاکستان سره دایمي پوله ګڼي؛ دغه ولسوالی خو د صفري نقطې څخه دې غاړې ته پرتې دي. نو د امریکا سره د استراتیژیک او امنیتي تړون ګټه څه ده؟ یوازې دا چې د دولت مخالفینو ته د جګړې د ادامې انګیزه او دلایل پیدا کړي او که نه د هغه چا خبره: په ښه بده کې مو په کار راځي؟! هغه ښه او بده به کله راځي، چې امریکا د استراتیژیک دوست په توګه مونږ د پردیو له بریدونو او یرغلونو څخه وساتي یا یې مخنیوی وکړي؟ د پروان د سیاګرد ولسوالی د پیښې د تحقیقاتو نتیجه څه شوه او ولسمشر غنی د خپل دروند مسوولیت پر اساس ددغو افغانانو کورنیو ته څه ځواب لري؟ آیا دوی هم ترهګر(؟) وو، چې تارګټ وګرځول؟!

حکومت وحدت ملی در یک بی برنامگی...

این سخنان نشان می دهد که پاکستان در سیاست خارجی خویش افغانستان را به مثابهٔ عمق استراتیژیک قرار داده و از آن به ساده گی عدول نخواهد کرد. این کشور حاضر نیست کوچک ترین گام در جهت ثبات افغانستان و منطقه بر دارد و جریان افراط گرایی را در افغانستان به نفع پاکستان می داند. موجودیت طالبان پاکستانی در ولایت کنر و جنگ آنها با اردوی ملی یکنوع رویکردی کشورهای حامی آنها را در قبال افغانستان نشان می دهد.

شاید رهبران حکومت وحدت ملی به این نتیجه رسیده باشند که رفت و آمدها و مهمان نوازی ها بین افغانستان و پاکستان کار ساز نیست؛ بلکه سیاست روشن، قاطع و ایمان راسخ در مبارزه با کار دهشت افگنی یک ائتلاف منطقه یی و جهانی باید به وجود آید. بدون یک چنین ائتلاف مشکل خواهد بود که افغانستان به تنهایی جریان دهشت افگنی را در افغانستان سرد سازد.

امروز یکنوع بی برنامه گی فضای کل کشور را در خود فرو برده است. حکومت وحدت ملی ظرف نزدیک به سه ماه نه توانسته است، برنامه های مبارزه با دهشت افگنی، برنامه های اقتصادی و سیاسی خود را طرح و تدوین نماید. این فضای پر از ابهام سیاسی همه روزه از مردم، طفل و کودک افغانستانی قربانی می گیرد. بزرگترین وعدهٔ حکومت وحدت ملی برای مردم تامین امنیت شهروندان، برنامه های مهمی را در آستین دارند و آنرا به زودترین فرصت به اجرا در خواهند آورد؛ اما اکنون هیچ کس کارایی این برنامه ها را ندیده است. اگر اوضاع بدین گونه تداوم یابد و دولت قدرت مدیریت بحران را نداشته باشد، مردم قربانی افکار محافظه کارانهٔ دولت خواهد گردید و در آن صورت حکومت وحدت ملی خشم مردم را تجربه خواهد کرد. یکنوع نارضایتی عمومی در میان مردم نسبت به حکومت وحدت ملی در حال شکل گیری است. اگر دولت به این کرختی خود در قبال مردم تغییر جهت ندهد، دیگر میان مردم و دولت فاصله بیشتر خواهد شد. امروز فقر، بیکاری، بی امنیتی و نبود ادارهٔ پاسخگو از جمله تهدید های بزرگی است که دولت در برابر آن تا کنون برنامه های مشخص ندارد. ایجاد و شکل گیری یک کابینهٔ آیدال در چنین شرایط بحرانی از معجزه های قرن در افغانستان خواهد بود؛ زیرا رئیس جمهور و رئیس اجرایی در گرو افراد و گروه های است که آنها را به این سمت رسانده است. چرخ حکومت وحدت ملی تا هنوز از دایرهٔ ارگ و قصر مرمرین به روی جادهٔ اصلی حکومت داری قرار نگرفته است. هر دو رهبر در تاخیر کابینه و قبل از رفتن به بروکسل و لندن تاکید کردند که هیچ گونه اختلاف اساسی میان شان وجود ندارد و دقت در انتخاب افراد شایسته برای حکومت داری خوب دلیل این تاخیر بوده است. این تصویر رنگین به هیچ وجه پشت پردهٔ سیاست کشور را بازتاب نمی دهد. دیده شود که این مرغ زرین چه زمانی تخم رنگین به وجود می آورد.

په پاکستان کې د ناامنیو تسلسل بالاخره د پېښور پوځي ښوونځي...

حملې اوله هغې وروسته په یمن، سومالیه، نایجیریا او نورو ګڼو هیوادونو کې ترسره شوي بریدونه؛ چې تلفات یې معمولاً د مخالف لورې تر څنګه ډېرخلې عام وګړي هم اوسي

ترهګرۍ(؟) پرخلاف روانه جګړه د هر چاسره ځانته تعبیر پیدا کړ؛ افغان دولت د خپلو وسله والو مخالفینو پرخلاف روانه جګړه د ترهګرۍ پرخلاف جګړه وبلله او امریکا د القاعده او د هغوی د ملګرو ډلو پرخلاف جګړه وګڼله او پاکستان بیا د خپلو وسله والو مخالفینو او طالبانو پرخلاف جګړه... همدارنګه په یمن، عراق او سوریه کې واکمن هر یو نظام خپل مخالفین ترهګر ګڼي

که چیرې په اسلامي هیوادونو کې یو ګاونډي هیواد د بل ګاونډي په کورنیو شخړو کې د خپلو غرضپو پرځای د سمون، عدالت او انصاف لپار غوره کړی واې، نن به اسلامي امت د هغو جګړو کوربه او ډګر نه ګرځیده چې اوس ورسره مخ دی او ګټه یې یواځې هغه چاته رسیږي چې د خپلو پراخو نظامي تجهیزاتو لپاره د بازار پیدا کولو په منظور په نورو خاورو کې د نا امنیو تخم کري او د پخواني استعمار د هغه فورمول پیروي کوي چې وایي: (تفرقه واچوه چې حکومت وکړې)

د افغانستان جیوپلټیک جغرافیوي موقعیت، چې د ځان لپاره اور شوی، نن په سیمه کې د روانې جګړې (چې هر چا یې آغاز کړی اوسي)، د روانې ترهګرۍ(؟) دوام تضمینوي؛ ولې جګړې په جګړو سره پای ته مومي او وینې په وینو نه مینځل کیږي. نو که پاکستان زمونږ لپاره د خیر غوښتنه کړې واې او د خپلو مادي، نظامي او سیاسي ګټو تلاش بې ځمونږ په بربادۍ کې نه لیدلی او هم زمونږ سیاسي لیډرانو د جګړې د منطق پرځای د سولې منطق پیاوړی ګڼلی او خپله برلاسي یې د بل په نابودۍ کې نه لټولی، نن به دا حال نه وو؛ چې کله مو بچیان په رندو بمباریو کې شهیدان کیږي، لکه چې د کنړ، هلمند او پروان په ولایتونو کې څو ځلې داسې وشو. او کله یو د بل په لاس حلالیږي؛ که پاکستان په وزیرستانونو کې د بې هدفو او خود غرضو جګړو خاله نه واې جوړه کړې، لکه چې سرتاج عزیز ورڅخه د ښه او بد طالب په نوم وروکولو تعبیر کوي او هلته یې د مادي ګټو لاسته راوړلو په منظور حشر جوړ کړی نه واې، چې لامله افغانستان هم د وزیرستان مهاجرینو منلو ته اړ کیږي، نن به په پېښور کې د ورسک په سرک باندې هغه دردوونکې پېښه هم نه رامنیځته کېده، چې هر انساني او اسلامي ضمیر پرې تکان خوري، چې د پلرونو په ګناه(!) د ۱۴۲ تنو په شمېر ځامن یې وژل کیږي اوله ۱۲۵ زیات ټپیان کیږي او یا لکه د پکتیکا ولایت په یحیی خیلو پېښه کې معصوم کوچنیان ښه وګرځېدل!

آیا د انسان وینه پدې سیمه کې د چرګوړي له وینې هم ارزانه شویده!! چې د جګړې هر یو لورې ځان پر حقه او بل په ناحقه ګڼي؟! همدارنګه که د پردیو د جاسوسانو په راپورونو دغو حکومتونو د خپلو ولسونو پر خلاف کړنې نه ترسره کولاې، ولې به زمونږ د ځوانانو مغزونه مینځل کېدل او د مسلمان وژنې د ګناه ارتکاب به صورت مونده؛ ښکېلاکګرو ځواکونو تل د تاریخ په اوږدو کې د یو دولت دولت د نا آرامه کولو لپاره د واکمن لورې د پاللو او پرې پراخو پېرزوینو کولو له لیارې غوښتي چې خپل ولس یې د بې عدالتیو او پاچاهی لګښتونو په وسیله لوږې مخالفین او بیا یې پرخلاف جګړه کوونکی وګرځوي؛ پداسې حال کې چې واکمن نظامونه باید ځانونه د کورنۍ د مشر په توګه مسوول وګڼي او د هرې هغې لیار مخه ونیسي چې ولس بد ګمانه کوي.

زمونږ په خاوره کې د بهرنیو پېرزوینو په ګرداب کې چې، د اداري فساد د بېلابېلو ډولونو موجودیت د مافیایې کړیو شتون، کارونه د نا اهلو خلکو لاس ته غورځولو او د بې تفاوتیو او بې مسوولیته کړنو له امله د دښمنی کوم تخم وکرل شو نو ګاونډي پاکستان ته په لوی لاس د مخالفینو د غتېولو او چاقولو زمینه برابریده او بالاخره چې کله یې د بل په لیاره کیندل شوي کوهي باندې خپله هم لیار شوه، نو اوس دوی هم وایې چې طبخ تریخ نبولې ده. خو ورڅخه د خلاصون لیار اوس له هر چا ورکه ده!!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۳۴ ۲۹ قوس ۱۳۹۳ ۲۷ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 20 Decembers 2014

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

په هیواد کې د نا امنیو د پرېښت او د واکمنانو مسوولیت



□ زهیر

نا امنیو پیښې په ولایتونو او پلازمینې کابل کې لا هماغسې دوام لري او یوازې په یوه اونۍ کې د پلازمینې دننه څو د نا امنیو پیښې رامنځته شوې؛ د تیرې اونۍ په دوران کې د استقلال په لیسه کې چې د ښار له ټولو مرکزي سیمه کې واقع ده، د یوې ننداري پر مهال چاودنه رامنځته شوه او د یو الماني له وژل کېدو سربیره ګڼ شمیر زده کوونکي پکې ټپیان شول، بیا د ارتن پله تر څنګه د ملي اردو یو موټر سره یو تن ځانمرګي خپل ځان ته چاودنه ورکړه او په نتیجه کې یې موټر اور واخست چې شپږ تنه د ملي اردو ځوانانو جسدونه پکې وسوځیدل او د اطفایي موټرو ورته پداسې حال کې چې ورڅخه یې په ډیره لږه فاصله کې قرار لرو، ځانونه ونه رسولی شو او لدې سربیره ټپیان یې هم لرل.

لنډه دا چې هره ورځ او هره شیبه د افغان ولس ژوند له ګواښونو سره مخ دی؛ ځکه داسې ورځ نه اوسي چې په هیواد کې دننه د نا امنیو څو پیښې نه وي رامنځته شوي؛ د چهارشنبې په ورځ هم یوه پیښه په کابل کې، دوه په ننګرهار کې او دوه هم په کنړ کې رامنځته شوې وې او له ټولو درنه پیښه په هلمند ولایت کې د نوی کابل بانک په ودانۍ یرغل وو؛ چې پکې د څلورو برید ګرو سربېره پنځه تنه پولیس او امنیت کارکوونکي او هم پنځه تنه عام وګړي شهیدان شوي وو او د همدې مضمون د لیکلو په مهال سهار اته بجې دده سبز په ولسوالۍ کې د یو پولیس په وژل کیدو او دریو نورو په ټپیان کېدو د یوې سراچې موټر چاودنه رامنځته شوه.

اوس پوښتنه داده چې آخر د ولسمشر نوی امنیتي پلان څه شو؟ او د امنیت د سلاکار هڅې به کله رنګ راوړي؟ چې د امنیتي ترون په ډېره بېړه لاسلیک کولو ویاړ یې هم اخستې دی؛ که د افغان وژنې دا بهیر همداسې روان اوسي؛ چې کله مو د هیواد معصوم بچیان د پکتیکا په یحیی خیلو کې د ولیبال د سیالۍ په مهال د امنیتي ارګانونو په بې تفاوتۍ خپل ژوند له لاسه ورکوي او کله د ارګ په څو متری کې د استقلال په خبر له امنیت څخه برخمنه لیسه کې هم د افغانانو د بچیانو ژوند خوندي نه اوسي او کله بیا د پروان په سیاګرد ولسوالۍ کې د هغو ځوانو افغانانو څخه امریکایي بې پیلوټه الوتکې ژوند اخلي چې د دولسم ټولګي د فراغت وروسته د کانکور لپاره یې تیارۍ نیولې؟ نو آخر ددې امنیتي ترون ګټه بیا څه ده؟ که له دغو پیښو څخه ځینې یې د واسکټونو له چاودنو څخه منځته راغلي، چې ښایي کنټرول یې آسانه کار نه وي، نو د پروان ولایت د سیاګرد پېښه ولې رامنځته شوه او د کنړ د دانګام ولسوالۍ د خلکو پر خلاف منظم یرغل ولې امریکایانو ته په سترګو نه ښکاري؟

۷مخ

تأیید طرح دو قانون از سوی مجلس سنا

□ شعیب

طرح قانون منع استخدام کودکان در قطعات نظامی و طرح تعدیل قانون معادن که پیشنهاد گردیده بود، هفتهٔ گذشته با اکثریت آرا از سوی مجلس سنا تایید شد. آقای جمشیدی عضو کمیسیون امور دفاعی مجلس سنا که که طرح قانون منع استخدام کودکان در قطعات نظامی را مجلس سنا پیشنهاد کرده است، گفت: "کمیسیون امور دفاعی، طرح قانون منع استخدام کودکان را مورد بحث و تدقیق قرار داده و بدون آوردن کدام تغییر در ماده های اول، چهارم و ششم تعدیل ولسی جرگه و در ماده های دیگر اصل متن را تایید کرده است."

بشیراحمد صمیم که طرح تعدیل قانون معادن را به این مجلس پیشکش کرد، در مورد طرح تعدیل این قانون گفت: " حکومت طرح تعدیل ماده های ۱۰، ۲۳، ۳۹ و ۷۴ قانون معادن را پیشنهاد کرده که این تعدیلات از سوی مجلس نمایندگان پذیرفته نشده، کمیسیون صحت و محیط زیست سنا نیز آنرا رد کرده است."

این دو طرح بعد از بحث و ابراز نظر توسط برخی اعضای مجلس سنا، به شکل جدا گانه از سوی رئیس مجلس سنا به رای گذاشته شد که با اتفاق آرای سناتوران حاضر در مجلس، تایید شد.

طرح قانون منع استخدام کودکان در قطعات نظامی در ۷ ماده به منظور جلوگیری از استخدام کودکان در صفوف نظامی، دفاع از حقوق کودکان و جلوگیری سوء استفاده از آنان ترتیب شده است.

قانون معادن نیز در ۲۰ فصل و ۱۱۷ ماده اوایل سال جاری پس از طی مراحل قانونی نافذ شده بود؛ اما حکومت طرح تعدیل و حذف برخی از ماده های این قانون را دوباره به شورای ملی پیشنهاد کرد که از سوی مجلس نمایندگان پذیرفته نشد.

قانون تهیه می شود و طبق نیازمندی ها جامعه تعدیل می گردد، اما آنچه مهم است جنبهٔ تطبیق قانون است. تا بالای همه شهروندان کشور یکسان تطبیق گردد. زیرا قانون و مقررات و ضابطه هاست که باشندگان یک کشور را وامیدارد تا در فضای امن و فارغ از کشمکش ها زیست نمایند. در نبود قانون و عدم تطبیق آن، به یقین قانون زور و زر و تزویر و یا به گفتهٔ "قانون جنگل" حاکم می شود که سود آن را قلدران و منفعت جویان خواهند برد. اما قانون گریزی و عدم توجهٔ به تطبیق قانون توسط مسؤولان دولتی، مهم ترین چالشی است که نظام اجتماعی را برهم خواهد زد. بر زمامداران است بر قانون و مقررات احترام بگذارند، در تطبیق آن بالای خودها و مردم یکسان عمل نمایند تا فضای باورمندی میان حکومت و مردم ایجاد گردد.

حکومت وحدت ملی در یک بی برنامه گی روشن قرار گرفته است

□ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

پس از خلع سلاح حامد کرزی از ریاست جمهوری و توافقنامهٔ سیاسی در مورد تشکیل حکومت وحدت ملی، رهبران حکومت وحدت ملی در یک بی برنامه گی آشکار قرار دارند. این رهبران در خصوص مبارزه با دهشت افگنی، حکومت داری خوب و بازگشت به صلح و ثبات، با احتیاط سخن می گویند.

حکومت وحدت ملی بیشتر از دو ماه است که در فاصلهٔ ارگ و قصر مرمرین محصور مانده است؛ زیرا ایجاد حکومت وحدت ملی تلاقی آیدال ها و اندیشه های اشرف غنی و عبدالله عبدالله نمی باشند؛ بلکه هر کدام از یک تیم نماینده گی می کنند. امروز اشرف غنی در مورد تعین افراد در رده های رهبری وزارتخانه ها، والی ها و سایر رده های حکومت ناگزیر است تا مشوره های: منصور نادری، جنرال دوستم، حاجی دین محمد، زاخیلوال، احدی، خلیلی، جبار قهرمان، آقای مجددی، گیلانی، شاخه های حزب اسلامی و ده ها حزب خورد و کوچک حامی خود در انتخابات را داشته باشد. به همین گونه طرف مقابل عبدالله عبدالله باید مشوره های با حامیان و افراد و گروه های همسویش داشته باشد.

گذشته از این، مشوره های شخصیت ها، احزاب و شورا های قومی، همه روزه خیمهٔ شب بازی ها در میان کسانی که



برای هردو طرف شعار داده بودند، وجود دارد و تعدادی در این خیمه شب بازی ها مصروف تشکیل سازی در بدنهٔ حکومت می باشند. این ها و موارد دیگر وجود دارد که کار تشکیل کابینه را به تاخیر انداخته است و دولت وحدت ملی را به سوی بی برنامه گی به پیش می برد.

آقای غنی در روزهای نخستین حیات حکومت اش به یک سلسله فعالیت های دست زد که مردم تشنه به اصلاح و تغیر را امیدوار به آینده نمود و مردم بر وی زبان تحسین گشودند و از قاطعیت وی در برابر مشکلات و دشواری های اداری و امنیتی سخن گفتند. رفتن به حوزه های پولیس از طرف شب، خبر گرفتن از زندان بان ها، دوسیهٔ کابل بانک، برکنار نمودن فلان رئیس ناکارهٔ شفاخانه، سخن گفتن با لایه های مختلف جامعه، دلجویی از قربانیان ترور، امضای قرار داد دو جانبه با امریکا، دلجویی از وکیلان پارلمان، هشدار و زنگ خطر به شهردار کابل، لوی سارنوالی و قاضی القضات و سخنان راهبردی در هفتهٔ حقوق بشر و موادر دیگر مردم را به این حکومت امیدوار ساخته بود.

سفر های رئیس جمهور به چین، عربستان سعودی و پاکستان، تشویق این کشور؛ به ویژه پاکستان به مبارزهٔ مشترک در برابر دهشت افگنی در آغازین روزهای سفرش طنین خوب داشته است؛ زیرا وی به مردم اطمینان می داد که طی روزهای معدود ثبات را در افغانستان به وجود خواهد آورد. بسیاری به این باور بودند که میان رئیس جمهور غنی و مخالفان دولت معامله یی در کار بوده و آنرا مردم به فال نیک می گرفتند؛ اما بر خلاف توقع و انتظار مردم بحران امنیتی به بدترین شکل آن طی روزهای آخیر افزایش یافت، حملات انتحاری در پایتخت و ولایات، جنگ در ولایات آسیب پذیر، همه انتظارات را به یاس تبدیل کرد. امروز پرسش اساسی این است که آیا حکومت وحدت ملی غلبه برای همه بحران های امنیتی را دارد و یا خیر؟ و آیا می تواند این بحران را مدیریت کند؟ این گونه پرسش ها زمانی مطرح می گردد، که سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان پس از سفر رئیس غنی به پاکستان اظهار داشت که، پاکستان هرگونه فشار را بر کشورش مردود می داند و پاکستان از منافعش عقب نشینی نخواهد کرد.

ص۷